

اجلاس COP: صحنه‌ای جهانی برای نبردی حیاتی

مجلس تصویب نشده و راهبرد ملی کاهش انتشار در مرحله‌ی اسناد نیمه‌رسمی باقی مانده‌است. اقلیم، مسئله‌ای صرفاً علمی یا سیاسی نیست؛ مسأله‌ای وجودی است و ما دانشجویان، پژوهشگران و شهروندان آگاه باید سهم خود را در بازاندیشی مسیر توسعه، به‌رسم مسئولیت و آگاهی، ایفا کنیم. اگر دولت‌ها کند حرکت می‌کنند، جامعه‌ی علمی و مدنی باید صدایشان را رساتر کنند. در این میان، اجلاس سالانه COP به‌عنوان مهم‌ترین بستر بین‌المللی برای بحث و تصمیم‌گیری در زمینه تغییر اقلیم، جایگاه ویژه‌ای دارد. کشورها در این نشست‌ها گرد هم می‌آیند تا درباره‌ی کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، استفاده از انرژی‌های پاک به‌جای انرژی‌های فسیلی، تأمین مالی اقلیم و جبران خسارات اقلیمی کشورهای آسیب‌پذیر گفت‌وگو و تصمیم‌گیری کنند. اما علی‌رغم دهه‌ها مذاکره و صدها تعهد، هنوز فاصله‌ی معناداری میان وعده‌ها و واقعیت‌ها وجود دارد.

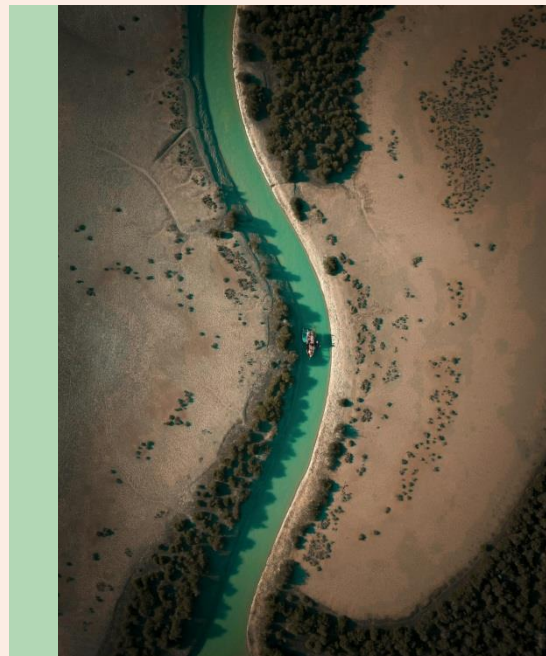
در جهان پرشتاب امروز، واژه‌هایی چون «تغییر اقلیم» و «گرمایش جهانی» دیگر مفاهیمی تخصصی یا دور از ذهن نیستند. آن‌ها به واژگان روزمره‌ی بشر تبدیل شده‌اند، از دانشمند و سیاست‌گذار گرفته تا دانشجو و کشاورز. درست در میانه‌ی این دغدغه‌ی جهانی، اجلاس سالانه‌ی COP^۱ به‌عنوان یکی از مهم‌ترین گردهمایی‌های محیط‌زیستی جهان، فرصتی است برای بازنگری، تعهد و شاید تغییر. COP نه‌فقط یک همایش دیپلماتیک، بلکه تلاشی است برای هم‌صدایی جهانی در مواجهه با بحران‌هایی که مرز نمی‌شناسند. از تعهد به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای تا جبران خسارات اقلیمی کشورهای آسیب‌پذیر، این اجلاس نمادی است از اینکه آینده‌ی زمین، نیازمند تصمیم‌های شجاعانه امروز است. اما پرسش اینجاست: آیا آنچه در سالن‌های شیشه‌ای سیاست‌گذاری می‌گذرد، در خاک ترک‌خورده‌ی کشاورز جنوب یا در ریه‌های پر از دود کودکان در کلان‌شهرها، بازتاب دارد؟ فاصله‌ی میان تعهد و تحقق، هنوز زیاد است. شاید یکی از رسالت‌های ما به‌عنوان دانشجویان محیط‌زیستی، دانشجویان دغدغه‌مند و اعضای جامعه‌ی علمی فشار آوردن برای کاهش همین فاصله باشد. تغییر اقلیم دیگر صرفاً یک هشدار علمی نیست؛ واقعیتی است زیسته که اکنون در شکل خشکسالی‌های شدید، سیلاب‌های بی‌سابقه، موج‌های گرما و کاهش تنوع‌زیستی، خود را به ما تحمیل کرده‌است. بحران اقلیمی، آرام و خزنده پیش می‌آید، اما پیامدهای آن شدید، نابرابر و گاه برگشت‌ناپذیر است. برای کشوری مانند ایران، ماجرا ابعادی مضاعف دارد. ایران نه‌تنها یکی از کشورهای آسیب‌پذیر در برابر تغییر اقلیم است، بلکه در سیاست اقلیمی جهانی نیز هنوز نقشی کم‌رنگ دارد. در حالی که فرونشست زمین در بیش از ۳۰۰ دشت کشور رخنه کرده، تالاب‌ها می‌خشکند و موج مهاجرت‌های اقلیمی در حاشیه‌ی کویر و مرزها شکل می‌گیرد، هنوز توافق‌نامه‌ی پاریس در



زئو، سوئیس، پاییز ۲۰۲۴، عکاس: Diana Krutova

¹ Conference of the Parties

افزایش دمای زمین به آستانه‌ی خطرناک ۱/۵ درجه‌ی سانتی‌گراد نزدیک می‌شود و گزارش‌های IPCC^۱ پی‌درپی هشدار می‌دهند که زمان برای اقدام مؤثر در حال اتمام است. اجلاس‌های COP از سال ۱۹۹۵ پس از تصویب کنوانسیون تغییر اقلیم سازمان ملل (UNFCCC^۲) در سال ۱۹۹۲ در «اجلاس زمین» در ریودوژانیرو آغاز شده‌اند، کشورهای عضو (که امروز به بیش از ۱۹۸ کشور می‌رسند) سالانه گرد هم می‌آیند تا درباره‌ی راهبردهای مقابله با تغییر اقلیم مذاکره کنند. همه‌ی اعضای کنوانسیون UNFCCC (۱۹۸ کشور + اتحادیه اروپا) در این اجلاس‌ها شرکت می‌کنند. نهادهای بین‌المللی (مانند UNDP، GEF، IPCC)، سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOs)، نمایندگان بخش خصوصی، جوانان، بومیان و رسانه‌ها نیز حضور دارند. همچنین کشورها به دو گروه تقسیم می‌شوند: کشورهای توسعه‌یافته با تعهدات مشخص کاهش انتشار و کشورهای در حال توسعه، با تعهدات داوطلبانه یا مشروط. ساختار نشست‌ها به سه شکل است: مذاکرات رسمی (بین دولت‌ها، درباره‌ی اسناد فنی و سیاسی)، نشست‌های جانبی^۳ (ارائه‌ی پژوهش‌ها، کارگاه‌ها، گفت‌وگوهای عمومی و اجلاس وزرا و سران کشورها (در مرحله‌ی پایانی برای تصمیم‌گیری سیاسی)). هدف این اجلاس، دستیابی به توافقی‌هایی برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، تسهیل روند گسترش



روستای ملکی، جزیره‌ی قشم، استان هرمزگان، تابستان ۱۴۰۲، عکاس: هادی احمدی

فناوری‌های پاک و کمک به کشورهای در حال توسعه در سازگاری با آثار تغییر اقلیمی است. در نشست‌های اخیر، علاوه بر اهداف کلی کاهش انتشار، موضوعاتی مانند عدالت اقلیمی، تأمین مالی اقلیم، خسارت و زیان (Loss and Damage)، سیستم‌های هشدار اولیه و نقش جوانان و بومیان نیز در دستور کار قرار گرفته‌اند. به‌عنوان نمونه، در COP26 گلاسگو ۲۰۲۱، کشورها متعهد شدند تا پایان قرن، گرمایش زمین را به زیر ۱/۵ درجه‌ی سانتی‌گراد محدود کنند. در COP27 شرم‌الشیخ ۲۰۲۲، صندوق «خسارت و زیان» برای جبران آسیب‌های اقلیمی کشورهای آسیب‌پذیر تصویب شد و در COP28 دبی ۲۰۲۳، نخستین «ارزیابی سهام جهانی»^۴ انجام گرفت که نشان داد بسیاری از کشورها از مسیر تحقق اهداف توافق پاریس فاصله دارند.

اگرچه تصمیم‌گیری‌های COP باید مبتنی بر یافته‌های علمی نهادهایی چون IPCC (هیئت بین‌الدولی تغییر اقلیم) باشد، اما در عمل، روند مذاکرات به شدت تحت تأثیر منافع اقتصادی، وزن ژئوپلیتیک کشورها و روابط شمال-جنوب قرار دارد. برای مثال، هنوز کشورهای توسعه‌یافته مسئولیت تاریخی خود در انتشار گازهای گلخانه‌ای را به‌طور کامل نپذیرفته‌اند و کشورهای در حال توسعه نیز با چالش‌هایی مانند فقر انرژی، دسترسی نابرابر به منابع مالی اقلیم و تحریم‌های بین‌المللی مواجه‌اند. مباحثی همچون «عدالت اقلیمی»، «استفاده‌ی عادلانه از انرژی» و «سازگاری اقلیم‌پایه» به‌خوبی نشان می‌دهند که مسئله‌ی اقلیم، تنها علمی یا فنی نیست، بلکه یک بحران چندوجهی با ابعاد اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و فلسفی است. کشور ایران نیز یکی از امضاکنندگان کنوانسیون UNFCCC و توافق‌نامه پاریس است، اما تاکنون آن را در مجلس تصویب نکرده و در نتیجه، از حضور مؤثر در مذاکرات و بهره‌مندی از منابع مالی اقلیم بازمانده است. این در حالی است که ایران یکی از کشورهای با اقلیم شکننده است؛ گرمایش فراتر از میانگین جهانی، خشکسالی‌های پی‌درپی، بحران آب، فرونشست زمین، آتش‌سوزی در جنگل‌ها و مهاجرت‌های ناشی از تغییرات اقلیمی تنها بخشی از پیامدهای ملموس تغییر اقلیم در کشور است. براساس «مشارکت ملی تعیین‌شده» (INDC^۵) ایران، کشور متعهد شده‌است تا سال ۲۰۳۰ به‌طور داوطلبانه انتشار گازهای گلخانه‌ای خود را تا ۴ درصد کاهش دهد (تا ۱۲ درصد در صورت رفع تحریم‌ها و دریافت کمک مالی).

^۴ Global StockTake^۵ Intended Nationally Determined Contribution^۱ Intergovernmental Panel on Climate Change^۲ United Nations Framework Convention on Climate Change^۳ Side Events

سازگاری تا تسهیل‌گذار به اقتصاد کم‌کربن. امروز دیگر نمی‌توان بحران اقلیم را صرفاً در قالب کنفرانس‌ها و اسناد بین‌المللی تحلیل کرد. تغییر اقلیم، یک واقعیت زیسته است؛ در مزرعه‌ی خشک‌شده‌ی کشاورزی در سیستان، در خانه‌ی ترک‌خورده‌ی دشت‌های فرونشسته‌ی اصفهان، در تالاب بی‌جان گاوخونی و در جنگل‌های سوخته‌ی زاگرس. وظیفه‌ی ما، به‌عنوان بخشی از بدنه‌ی علمی و دانشجویی کشور، نه‌فقط دنبال کردن اخبار اجلاس COP، بلکه پیوند زدن آن‌ها به واقعیت‌های بومی و تبدیل مفاهیم انتزاعی به مسئله‌ی عمومی است. آینده‌ی اقلیم، نه‌فقط بر میز مذاکره، بلکه در کلاس‌های درس، پروژه‌های تحقیقاتی، رسانه‌های دانشگاهی و صدای اعتراض علمی دانشجویان شکل می‌گیرد. اگر COP تصمیم‌گاه جهانی است، ما باید وجدان محلی آن باشیم. با هم، برای اقلیمی عادلانه‌تر و پایدارتر

این درحالی است که روند مصرف انرژی و شدت انتشار گازهای گلخانه‌ای در ایران هنوز در حال افزایش است و صنایع انرژی‌بر و سیستم‌یارانه‌های سوخت، مانع از اصلاح ساختارها شده‌اند. اگرچه بسیاری از نشست‌های COP با انتقادات مبنی بر کم‌کندی تصمیم‌گیری و نفوذ لابی‌های صنعتی مواجه‌اند، اما همچنان این اجلاس، تنها ساختار چندجانبه‌ی جهانی برای مواجهه با بحران اقلیم است. نقش دانشگاه‌ها، دانشجویان و جامعه‌ی علمی در این میان در زمینه‌هایی چون تولید دانش اقلیم‌محور و بومی‌سازی مدل‌های اقلیمی، تربیت نیروی متخصص در حوزه‌ی سیاست‌گذاری اقلیمی، مشارکت فعال در فرآیندهای مشورتی ملی برای حضور در COP و ایفای نقش در آگاهی‌بخشی عمومی و تقویت گفت‌وگو عدالت اقلیمی پررنگ است. در شرایطی که تصمیم‌سازی اقلیمی در ایران دچار واگرایی نهادی است، صدای نهادهای علمی و مدنی می‌تواند نقش کلیدی در جهت‌دهی سیاست‌ها ایفا کند، از تنظیم سیاست‌های



گدانسک، لهستان، تابستان ۲۰۲۲، عکاس: Marek Piwnicki